

مقاله پژوهشی: پیشران‌های مؤثر بر ساختار نظام بین‌الملل با استفاده از مدل ISM

۲۰.۱۰۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۱.۱۲.۴۴.۱۱.۲

امین روان‌بده، حدیثه کولیایی، علی محمد حقیقی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

چکیده

ساختار نظام بین‌المللی نسبت به شرایط مشابه قبل تغییرات چشم‌گیری کرده است و پیشران‌های متعددی بر این نظام بین‌المللی مؤثر واقع شده‌اند. برخی از این پیشران‌ها قدرت تأثیرگذاری بیشتر و دائمی و برخی از آنان نیز به صورت مقطعی ظهور و ورود در عرصه بین‌المللی خودنمایی می‌کنند. این پیشران‌ها نشأت گرفته از قدرت‌های اصلی ساختار نظام بین‌المللی است یک عامل به‌خودی‌خود نمی‌تواند عامل و به وجود آورنده ساختار نظام بین‌المللی باشد لیکن مجموعه از تکه‌های جورچین می‌تواند تشکیل‌دهنده این نظام باشد در این مقاله با هدف شناسایی پیشران‌های مؤثر بر ساختار نظام بین‌الملل سعی شده در چارچوب نظری نواقع‌گرایی و تحلیل ساختاری توصیفی ISM و برنامه میک مک به پاسخ این سؤال برسیم که چه عواملی بر ساختار نظام بین‌المللی تأثیرگذارند؟ فرضیه مطرح‌شده که با پژوهش کیفی و خبرگی به شناسایی ۱۵ عامل دست یافته است که قدرت سیاسی اقتصادی نظامی و فرهنگی بیشترین پیشران تأثیرگذار به حساب می‌آید. به وجود آمدن رویدادهای مهم که تأثیر جهانی دارد، مسئله تغییرات آب و هوایی، نهادها قوانین پذیرفته‌شده بین‌المللی، جنگ کشمکش ورود فناوری به عرصه سیاست بین‌المللی، رشد طبقه متوسط جهانی، بیماری‌های واگیردار جمعیت هر کدام باعث روند تغییر ساختار قدرت در نظام بین‌المللی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پیشران، ساختار، قدرت، نظام بین‌الملل

۱ استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

Email:aravanbod@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

(Email:hkooliaee@gmail.com)

۳ دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

(Email:am.haghighi@yahoo.com)

۱. مقدمه

با پایان جنگ سرد و فروپاشی یکی از دو قطب ساختار، نظام، دچار دگرگونی بارزی شده است. نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد را نمی‌توان کاملاً از انواع پیشین آن «مجزا» کرد، باین‌حال به‌نوعی از آن‌ها متمایز است و این تمایز در چگونگی آرایش سیاسی قدرت‌ها که خود ماهیت ساختار را شکل می‌دهد، ریشه دارد، ازاین‌رو می‌توان پایان جنگ سرد را به‌مثابه تغییری در نظام و نه تغییر خود نظام قلمداد کرد؛ زیرا ماهیت آنارشیک نظام هم چنان پابرجاست (دهشیری گلستان، ۱۳۹۵: ۸۳). در سال‌های اولیه دهه ۱۹۹۰ تحولاتی که از چند سال پیش شروع شده همچنان در جریان است. حال که می‌توان با قاطعیت از فروپاشی نظام گذشته (نظام دوقطبی شکل یافته پس از جنگ دوم جهانی) صحبت کرد، هنوز ابعاد نظام جدید به‌روشنی آشکار نیست و وقایع مهمی که هر کدام در بازسازی نظام بین‌المللی نقش ایفا خواهند کرد. چون فروپاشی کمونیسم در اروپای شرقی وحدت دو آلمان، جنگ خلیج فارس و تحولات اخیر یوگسلاوی یکی پس از دیگری رخ می‌نماید. بدون شک، تحولات دیگری روی خواهد داد و مجموعه این تغییرات شکل جهان را در چند سال آینده به‌گونه‌ای تغییر خواهد داد که کلیه کشورها ناچار به بازنگری روابط خارجی خود شوند (شهابی، ۱۳۸۴: ۶۴۱).

شکل^۱ و هدف^۲ املت‌ها تغییر می‌یابند؛ پیشرفت‌های فناورانه انجام می‌گیرند؛ تسلیحات دست‌خوش دگرگونی ریشه‌ای می‌شوند؛ اتحادها شکل می‌گیرند و فرومی‌پاشند. این‌ها تغییرات در درون نظام‌ها هستند و این‌گونه تغییرات سهم بسزایی در تبیین تفاوت‌ها^۳ در برآیندهای بین‌المللی - سیاسی دارند (واتر، ۱۳۹۵: ۹۵).

به‌طور کلی در دوران جنگ سرد رقابت بین این دو ابرقدرت در سه حوزه ایدئولوژیک و عقیدتی، اقتصادی و راهبردی - نظامی پیگیری می‌شده است. در یک سمت ایدئولوژی

۱ form

۲ purpose

۳ variations

سرمایه‌داری قرار داشت که کمونیست را ظلمات محض می‌دانست و بهشت برین را در غرب جهان نوید می‌داد و در مقابل کمونیست که سرمایه‌داری را ظلم مطلق قلمداد می‌کرد، به نوعی تقابل دو اردوگاه تقابل دو ایدئولوژی بود که هرکدام رستگاری را در تقابل یکدیگر معرفی می‌کردند و این تقابل ایده‌ها رقابت را در دیگر عرصه‌ها منجر شد (مجبی‌نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۹۰) واکنش مقامات روسی به سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی، تعلیق عضویت روسیه در سی.اف.بی.ای اخراج دیپلمات‌های انگلیسی در تلافی اقدام انگلیس، رقابت با آمریکا بر سر قطب شمال و اعلام شروع به کار ناوگان هواپیمایی قاره‌پیمای روسی، همگی نشان از سیاست جدید روسیه در قبال تحولات جهانی دارد. با آغاز بروز بحران اوکراین (مارس ۲۰۱۴) و خارج شدن کنترل و حاکمیت شبه‌جزیره کریمه از حاکمیت کیف، شاهد بروز دور تازه‌ای از کشاکش‌های سیاسی بین غرب به رهبری آمریکا و روسیه هستیم (مجبی‌نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۹۳)

جایگاه آمریکا در جهان پسا جنگ سرد به گونه‌ای است که به گفته والتز، نظام در وضعیت تک‌قطبی قرار دارد. ولی با اینکه آمریکا نقش اصلی را بر عهده دارد همه‌چیز در دست این کشور نیست و در کنار آمریکا، قدرت‌های بزرگ دیگری وارد صحنه بازیگری برای شکل‌بندی ساختار نظام بین‌الملل شده‌اند. از این رو، به زعم بوزان رابطه بین ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ، عاملی است که ماهیت عملیاتی ساختار قدرت بین‌الملل را تعیین می‌کند که هانتینگتون آن را نظام تک-چندقطبی می‌نامد نظام تک-چندقطبی، اشاره به ساختار نظامی دارد که در آن یک ابرقدرت و چند قدرت بزرگ، ساختار توزیع قدرت را شکل می‌دهند در چنین نظامی، ابرقدرت تنها نظامی است که در همه ابعاد قدرت اقتصادی، نظامی دیپلماتیک، ایدئولوژیک تکنولوژیک دست بالا را دارد و از توانایی و امکانات لازم برای پاسداری از منافع خود -تقریباً در سراسر جهان- برخوردار است. در سطحی دیگر، چندین قدرت عمده (چین اتحادیه اروپا، ژاپن روسیه قرار دارند که تنها ابعادی از قدرت را در اختیار دارند. این قدرت‌ها بر بخشی از نظام بین‌الملل مسلط هستند بی آنکه همچون

ابرقدرت، بتوانند منافع و قابلیت‌های خود را در کل نظام گسترش بدهند؛ بنابراین این ساختار از دو نوع قدرت ساختار ساز تشکیل شده است. ابرقدرت به شیوه استقرایی براساس پنج ویژگی ایالات متحده و اتحاد شوروی شناخته می‌شود که عبارتند از الف) قدرت جهانی به معنای حضور و رقابت در تمام مناطق جهان. ب) جمعیت زیاد. توان اقتصادی ج) پهنه سرزمین وسیع ه) توسعه نظامی در قالب توانایی توسعه یافته‌ای برای مبادرت به جنگ هسته‌ای ابرقدرت به کشوری گفته می‌شود که دارای موقعیت ممتاز در روابط بین‌الملل است و توانایی تأثیرگذاری بر طرح‌ها و رخدادها در مقیاس جهانی دارد؛ بنابراین ابرقدرت‌ها باید دارای قابلیت‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی درجه یک برای حمایت از این گونه توانایی باشند. آنچه که قدرت‌های بزرگ را از ابرقدرت جدا می‌کند این است که ابرقدرت در تمام حوزه‌های قدرت در بالاترین موقعیت قرار دارد اما قدرت‌های بزرگ در یک یا چند حوزه خاص دارای قابلیت و توانمندی هستند که دیگران بر اساس محاسبات سطح سیستمی در مورد توزیع قدرت کنونی و آینده نزدیک به آنان پاسخ می‌دهد (دهشیری گلستان، ۱۳۹۵: ۴-۸۳).

مادامی که دولت‌های بزرگ کنشگران عمده و مهم هستند ساختار سیاست بین‌الملل برحسب آن‌ها تعریف می‌شود. هنگامی که زمان آن فرا برسد دولت‌ها قواعدی را بازسازی می‌کنند که دولت‌های دیگر براساس آن‌ها عمل می‌کنند. دولت‌ها واحدهایی هستند که تعامل هایشان به ساختار نظام‌های بین‌المللی - سیاسی شکل می‌دهد. آن‌ها تا سالیان سال همچنان این گونه باقی خواهند ماند. نرخ مرگ و میر میان دولت‌ها بسیار پایین است. دولت‌های اندک شماری می‌میرند. دولت‌ها براساس قدرتی که دارند در جایگاه‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. قدرت از طریق مقایسه کردن توانمندی‌های شماری از واحدها برآورد می‌شود (والترز، ۱۳۹۴: ۱۴۰). گفته می‌شود که توانایی یا ناتوانی دولت‌ها در حل و فصل معضلات، جایگاه‌های آن‌ها را بالا و پایین می‌برد. اگر روابط دولت‌ها به جای توانمندی هایشان مورد بررسی قرار گیرد، از آنجاکه روابط دولت‌ها همواره چندجانبه است،

(پس) گفته می‌شود که جهان چندقطبی است. دولت‌ها بدان علت که (تنها) در یکی از ابعاد توانمندی‌ها برتری دارند در جایگاه برتر قرار نمی‌گیرند. جایگاه آن‌ها به این موضوع بستگی دارد که امتیاز آن‌ها در تمامی اقسام ذیل روی هم رفته چقدر است. اندازه جمعیت و سرزمین برخوردار از منابع، توانمندی اقتصادی، توان نظامی، کارآمدی و ثبات سیاسی. (والتر، ۱۳۹۴: ۱۸۴). فروپاشی ساختار دوقطبی به یک‌باره تعاریف سنتی در جهان سیاست را گسست و جهانی متفاوت از قبل چه در عرصه کمی و چه در عرصه کیفی ظهور کرد؛ جهانی که هم‌چنان در حال تغییر و تحول است و هر روز بازیگرانی یا موضوعات جدیدی در آن رشد می‌کنند. هرچند گروهی از این بازیگران و موضوعات قبل از دهه ۱۹۹۰ هم وجود داشتند اما تفاوت آن‌ها با قبل در حوزه عمل، کارایی، مشروعیت و همه‌تر از همه اقتدار آن‌ها بود (بهرامی، ۱۳۹۴: ۳۷). تحولات اجتماعی در کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای جنوب غربی، شرق مدیترانه و شمال آفریقا به‌عنوان اصلی‌ترین نشانه دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و راهبردی کشورها تلقی می‌شود. این منطقه به‌عنوان «منطقه کمربند شکننده» در اندیشه «سائول کوهن» شناخته می‌شود. بحران انتظارات فزاینده واقعیت اجتناب‌ناپذیر سیاست، قدرت و امنیت در خاورمیانه خواهد بود و هرگاه در کشورهای توسعه‌نیافته که دارای ساختار اقتدارگرا هستند، روندهایی از کنش دموکراتیک ظهور یابد زمینه برای تصاعد انتظارات و مطالبات گروه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. تصاعد انتظارات در خاورمیانه نیازمند مفاهیم و زیرساخت‌های هویتی است هرگونه تحول سیاسی می‌تواند آثار خود را در ارتباط با فضای امنیتی به‌جا گذارد. کنش بازیگران بین‌المللی را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل سرعت‌دهنده به فرایند تحولات دانست (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷).

برای طراحی مدل اولیه آینده نظام بین‌الملل از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری استفاده شده است. مدل‌سازی ساختاری-تفسیری یکی از روش‌های اکتشافی طراحی مدل در مدیریت است که ایده اولیه آن توسط وارفیلد (۱۹۷۴) مطرح و توسط سیچ (۱۹۷۷) معرفی گردید. رویکرد ISM خبرگان را قادر می‌سازد که روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر را در یک موقعیت پیچیده تصمیم‌گیری، ترسیم کنند. این روش برای نظم بخشیدن

و جهت‌دهی به پیچیدگی روابط میان سازه‌ها عمل می‌کند. در این روش با تحلیل تأثیر یک سازه بر سازه‌های دیگر، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان سازه‌های یک سیستم بررسی و بدین‌وسیله بر پیچیدگی روابط بین سازه‌ها غلبه می‌شود (آذر و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸).

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

کتاب‌ها و مقالات نوشته شده درباره ساختار نظام بیشتر از روش کیفی و توصیفی استفاده شده است. این مقاله با روش ISM و برنامه میک مک و مصاحبه گردآوری شده است. روش ISM یک روش کمی و آماری است. استفاده از این روش در رشته علوم سیاسی جدید و روبه گسترش است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱ نوع‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف یک پژوهش کاربردی- توسعه‌ای است که درصدد ارائه الگوی پیشران‌های مؤثر بر ساختار نظام بین‌الملل است. از منظر شیوه و بازه زمانی گردآوری داده‌ها یک پژوهش پیمایشی-مقطعی است.

۳-۲ جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه در مطالعاتی که با روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری انجام می‌شوند معمولاً بین ۵ تا ۲۵ نفر توصیه شده است. همچنین برای نمونه‌گیری خبرگان از روش‌های غیراحتمالی و هدفمند توصیه شده است (آذر و همکاران، ۱۳۹۷). جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید دانشگاه در حوزه علوم روابط بین‌الملل سیاسی هستند که در این زمینه دارای تألیفات علمی در قالب کتاب و مقاله باشند و سابقه تدریس بالای ده سال دارند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و بر این اساس ۸ نفر از افراد واجد شرایط در این مطالعه شرکت کردند.

۳-۳ روش و ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری داده‌های پژوهش، پرسشنامه است. پرسشنامه مدل‌سازی ساختاری-تفسیری فرمی استاندارد است که ابتدا یک ماتریس $n \times n$ از متغیرهای مورد مطالعه تشکیل می‌شود. سپس از خبرگان خواسته می‌شود برای شناسایی الگوی روابط متغیرها از نمادهای مندرج در جدول ۱ استفاده نمایند (اصغرپور، ۱۳۹۲).

جدول ۱- حالت‌ها و علائم مورداستفاده در بیان رابطه متغیرها

نماد	V	A	X	O
رابطه	متغیر i بر j تأثیر دارد	متغیر j بر i تأثیر دارد	رابطه دوسویه	عدم وجود رابطه

۳-۵. شاخص اعتبار پژوهشی

برای اعتبارسنجی داده‌های گردآوری شده می‌توان اظهار داشت که این شاخص‌ها از بیانات متخصصین و کارشناسان متبحر در این رشته به دست آمده که نشان می‌دهد داده‌ها از اعتبار کافی برخوردار است.

۳-۶. روش‌های تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری استفاده شد. محاسبات مربوط به تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار MicMac انجام شد.

۳-۷. یافته‌های پژوهش (مدل‌سازی تفسیری-ساختاری)

برای طراحی الگوی آینده نظام بین‌الملل از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری استفاده شده است. مدل‌سازی ساختاری-تفسیری یکی از روش‌های اکتشافی طراحی مدل در مدیریت است که ایده اولیه آن توسط وارفیلد (۱۹۷۴) مطرح و توسط سیچ (۱۹۷۷) معرفی گردید. رویکرد ISM خبرگان را قادر می‌سازد که روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر را در یک موقعیت پیچیده تصمیم‌گیری، ترسیم کنند. این روش برای نظم بخشیدن و

جهت‌دهی به پیچیدگی روابط میان سازه‌ها عمل می‌کند. در این روش با تحلیل تأثیر یک سازه بر سازه‌های دیگر، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان سازه‌های یک سیستم بررسی و بدین‌وسیله بر پیچیدگی روابط بین سازه‌ها غلبه می‌شود (آذر و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۷).

این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از سازه‌های متفاوت در قالب یک مدل نظام‌مند و جامع، ساختاردهی می‌شوند. در واقع با استفاده از این روش تأثیر یک سازه بر سایر سازه‌ها بررسی می‌شود. در این روش می‌توان روابط سازه‌ها را شناسایی کرد و مدلی ساختاری-تفسیری از سازه‌ها ارائه کرد و در نهایت سازه‌ها را براساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی طبقه‌بندی نمود. سازه‌های مورد بررسی جهت ارائه مدل اولیه آینده نظام بین‌الملل عبارتند از: حقوق بشر (D۰۱)، تروریسم (D02)، جمعیت (D03)، نهادهای بین‌المللی (D04)، قدرت سیاسی (D05)، قدرت نظامی (D06)، تغییرات آب‌وهوایی (D07)، مهاجرت و تابعیت (D08)، جهانی‌شدن (D09)، گسترش فناوری (D10)، سلاح‌های کشتار جمعی (D11)، قدرت اقتصادی (D12)، درگیری‌های منطقه‌ای (D13)، بیماری‌های واگیر (D14)، قدرت فرهنگی (D15).

۴. ورودی‌های سیستم

در فرایند شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر ساختار نظام بین‌الملل از روش «مصاحبه فردی» و «مطالعه کتابخانه‌ای» بهره‌گیری جسته است. در گام نخست «مصاحبه فردی» با اساتید و پژوهشگران روابط بین‌الملل با مدیریت نویسندگان برگزار شد هدف از این مصاحبه جمع‌بندی دیدگاه شرکت‌کنندگان درباره عوامل مؤثر بر ساختار نظام بین‌الملل بود. ۴ عامل به‌عنوان کلیدی‌ترین پیشران، ۱۱ پیشران وابسته با درجه‌بندی‌های مختلف شناسایی و از روش ISM و میک مک تحلیل ساختاری توصیفی شدند. با توجه به اینکه بهترین کار، بهره‌گیری از تعداد متنوعی از رویکردهای آینده‌پژوهی در یک پروژه است. در این پژوهش، تلاش شده تا ترکیبی از چگونگی بکارگیری و ارتباط رویکردهای مختلف آینده‌پژوهی را با یکدیگر را نشان دهد.

۵. چارچوب نظری

نظریات مختلفی در باب نظام بین‌الملل ارائه شده‌اند. یکی از نظریات مهم در زمینه بین‌الملل نظریه نواقع‌گرایی است. مفهوم سیستم یا نظام بین‌المللی در این نظریات معنای یکسانی ندارند و حتی در تلقی‌های مشابه نیز ممکن است به لحاظ هستی‌شناختی با هم متفاوت باشد تلقی سیستمی از سیاست بین‌الملل به دنبال انقلاب رفتاری در نظریه روابط بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای یافت و محققان از مفاهیم نظریه سیستم‌ها برای تبیین و توضیح سیاست بین‌الملل بهره جستند. نظریات موتور کاپلان در این باب به‌طور مشخص تأثیر انقلاب رفتاری را نشان می‌دهد. وی شش نظام را براساس مقیاس فعالیت ادغامی مشخص می‌کند: موازنه قدرت، دوقطبی منعطف، دوقطبی متصلب، وتویی واحد، جهانی و سلسله مراتبی. از میان این سیستم‌ها، سیستم وتویی واحد کمترین ادغام و سیستم سلسله مراتبی بیشترین میزان ادغام را دارد (Kaplan, 2005:34).

استنلی هافمن، نظام بین‌المللی را به‌صورت «الگویی از روابط میان واحدهای بنیادین سیاست جهانی» تعریف می‌کند و این الگو عمدتاً به‌واسطه ساختار جهان تعیین می‌شود (Hoffman, 1961: 90). استنلی هافمن به‌گونه‌ای مشابه آرون، به ترتیب قرارگیری اجزا (الگوهای قدرت) و همچنین ویژگی اجزا (همگونی یا ناهمگونی) دولت‌ها توجه دارد. او میان سیستم‌های «میان‌رو» و سیستم‌های انقلابی تمایز قائل می‌شود.

مهم‌ترین نقد والتز به هافمن این است که او با قرار دادن شکل‌بندی قدرت و همگونی و یا ناهمگونی دولت‌ها در تعریف خود از ساختار، عناصری از سطوح مختلف تجرید را با هم ترکیب کرده است. ساختار شامل عناصری در سطح واحدهاست که ممکن است تحت تأثیر ویژگی‌های ساختار در سطح سیستمی باشند (Waltz, 1979: 46). کنت والتز در کتاب خود با عنوان نظریه سیاست بین‌الملل به بازبینی نظریه واقع‌گرایی کلاسیک پرداخت. همه نظریه‌پردازان واقع‌گرایی کلاسیک از جمله نیهور، آرون، کار، کسینجر و کنان بر این باورند که مفاهیم کلیدی و اساسی این نظریه را می‌توان در سه مفهوم دولت‌گرایی، بقا و خودیاری خلاصه نمود. ۱- از دیدگاه این نظریه دولتی که دارای حق حاکمیت است مهم‌ترین بازیگر

عرصه بین‌المللی است بازیگران دیگر شاهد صعود و افولند. ۳- دومین مفهوم کلیدی بقا است که مهم‌ترین هدف دولت است که در قالب مفهوم امنیت نشان داده‌اند؛ و خودیاری، تفاوت اساسی میان سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل وجود دارد. در سیاست داخلی نباید خود از امنیت خویش دفاع نمایند اما در سیاست بین‌الملل به سبب فقدان یک اقتدار بالاتر که بتواند از کاربرد زور جلوگیری به عمل آورد دولت‌ها مجبور هستند که امنیت خود را خودشان حفظ نمایند.

از منظر واقع‌گرایان از آنجا که آنارشی ویژگی طبیعی نظام بین‌الملل است منازعه امری دائمی است هرچند دولت‌ها در یک سیستم خودیاری به سر می‌برند اما خودیاری و افزایش قدرت خودبه‌خود منجر به امنیت نمی‌شود بلکه برعکس امنیت کاهش می‌یابد؛ زیرا در جریان افزایش قدرت خود یک دولت موجب نگرانی دیگر دولت‌ها می‌گردد و نتیجه وضعیتی حاصل می‌گردد که واقع‌گرایان آن را معمای امنیت نامیده‌اند. والتز کلیه مفاهیم به‌کاررفته در واقع‌گرایی کلاسیک را می‌پذیرد اما مهم‌ترین انتقادی که به این نظریه دارد مسئله تقلیل‌گرا بودن است. مطابق نظریه والتز باید نظریه‌ای به وجود آورد که بتواند نوعی تبیین کل‌نگر از ساختار نظام بین‌الملل ارائه دهد از این‌رو واقع‌گرایی ساختاری برای فهم سیاست بین‌الملل به‌جای تحلیل ملی از سطح تحلیل نظام بین‌الملل استفاده نماید. والتز مدعی است که تقلیل مطالعه سیاست بین‌الملل به سطح دولت - ملت و در نتیجه سطح فرایند تصمیم‌گیری ناکافی است، زیرا به تأثیر سطح تحلیل سیستمی بر رفتار دولت‌ها توجه نمی‌کند رویکردی مناسب‌تر است که در سطح سیستم صورت بگیرد. والتز نظریه‌ای سیستمی مبتنی بر تبیین خارج به داخل را ارائه می‌دهد که مطابق آن ساختار نظام بین‌الملل به‌عنوان علت اصلی رفتار دولت‌ها معرفی می‌گردد. نظریه خارج به داخل والتز اشاره به نیروهای بین‌المللی دارد که بر رفتار دولت‌ها اثر می‌گذارند. ساختار مجموعه‌ای از شرایط محدودساز است. با اشاره به اینکه ساختار امری نامرئی است والتز استدلال می‌کند که چنین ساختاری را می‌توان گزینش‌گر نامید بدین معنا که علت غیرمستقیم رفتار کارگزار است به عبارات دیگر ساختار تعیین‌کننده رفتار کارگزار است. مسئله اساسی در نظریه والتز

این است که تأثیرپذیری دولت‌ها از ساختار سیستم بین‌الملل از چه طریقی صورت می‌گیرد و التز برای پاسخ به پرسش به ارائه دو شیوه یعنی شیوه جامعه‌پذیری و شیوه رقابت میان واحدها می‌پردازد.

رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها، فعالیت‌های دولت‌ها سبب شکل‌دهی به ساختار نظام بین‌الملل می‌شود و معمولاً دولت‌ها در راستای دستیابی به نتایج مطلوب راهبردها و تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی خود را با ویژگی‌های نظام بین‌الملل و مقتضیات آن تطبیق می‌دهند. نمود اصلی این تطبیق را می‌توان در راهبردهای کلان سیاست خارجی دولت‌ها مشاهده کرد. در مواقعی که ساختار نظام بین‌الملل تغییر کند و دولت‌ها آمادگی لازم برای مواجهه آن را نداشته باشد و پیامدها و تبعات این تغییر را به‌درستی درک نکنند محذورات آن‌ها در عرضه بین‌المللی بر مقدوراتشان پیشی خواهد گرفت و هزینه‌های زیادی را برای پیگیری منافعشان متحمل خواهند شد و حتی گاهی اوقات مجبور خواهند شد که تغییراتی در سیاست خارجی خود اعمال کنند. او تعریفی سه‌بخشی از ساختار نظام بین‌الملل ارائه می‌کند. بخش اول ساختار عبارت است از اصل نظم‌دهنده سیستم که تحت عنوان آنارشی یا فقدان اقتدار مرکزی از آن یاد می‌کند و آنارشی نظام بین‌الملل را در تقابل مستقیم با نظم سلسله مراتبی موجود در نظام سیاسی داخلی قرار می‌دهد. بخش دوم ساختار به مشخص کردن کارکردهای واحدهای متمایز سیستم مربوط می‌شود. والتز معتقد است که در نتیجه وجود آنارشی، واحدهای درون نظام کارکرد مشابهی دارند و ب واقع واحدهای مشابه هستند. از نظر والتز، کارکرد واحدهای سیستم نقش چندانی در تعریف ساختار آن ندارد: «عامل دوم- [ویژگی واحدها]- در تعریف ساختار سیاسی بین‌المللی مورد نیاز نیست زیرا تا زمانی که آنارشی وجود داشته باشد، دولت‌ها واحدهایی مشابه باقی می‌مانند» (Waltz, 1979: 93).

بخش سوم تعریف ساختار به توزیع توانایی میان واحدهای سیستم مربوط می‌شود. توزیع متفاوت توانایی میان واحدهای سیستم، در ساختار سیستم تنوع ایجاد می‌کند. والتز می‌نویسد: «ساختار نظام با تغییرات در توزیع توانایی‌ها میان واحدهای نظام تغییر می‌کند و

تغییرات در ساختار، انتظارات در خصوص چگونگی رفتار واحدهای نظام و نتایجی که تعاملات آن‌ها به بار می‌آورد را تغییر می‌دهد» (Waltz, 1979: 97).

۶. پیشران‌های مؤثر بر ساختار نظام بین‌الملل

۶-۱. قدرت سیاسی

مفهوم قدرت سیاسی از مهم‌ترین مفاهیم سیاسی است به طوری که از آن به عنوان جوهر سیاست یاد می‌شود. قدرت به مفهوم «توانایی تحمیل اراده یک فرد بر دیگران حتی برخلاف میل آن‌ها» اساساً یک مفهوم جامعه‌شناختی است که شامل قدرت فیزیکی و هم شامل قدرت سیاسی می‌شود. قدرت سیاسی آن نوع از قدرتی است که یک فرد یا گروه در درون جامعه برای تأثیرگذاری و کنترل زندگی سایر افراد و گروه‌ها دارا هستند. در عرصه سیاسی راه‌های گوناگونی برای به دست آوردن این نوع از قدرت وجود دارد. مهم‌ترین عامل تشکیل‌دهنده و نگه‌دارنده قدرت سیاسی از طریق مشروعیت اجتماعی ریال قدرت نظامی، جمع‌آوری ثروت و کسب دانش بوده است (صباغیان، ۱۳۸۶).

۶-۲. قدرت اقتصادی و نظامی

رشد اقتصادی منجر به افزایش قدرت اقتصادی می‌شود. منابع اقتصادی می‌توانند در کنار افزایش قدرت سخت نظامی قدرت نرم را هم افزایش می‌دهند؛ زیرا یک الگوی اقتصادی موفق نه تنها منابع لازم را برای داشتن قدرت نظامی را فراهم می‌کند و معادلات جهانی را به شیوه‌ای متفاوت به پیش می‌برد. رابطه قدرت اقتصادی و قدرت نظامی رابطه‌ای دوسویه است. در برخی از کشورها بخش قابل توجهی از بودجه اقتصادی کشورها به عرصه نظامی اختصاص می‌یابد.

۶-۳. قدرت فرهنگی

در قاموس و عرف بین‌الملل از «قدرت فرهنگی» به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود. قدرت نرم قابلیت شکل دادن ترجیحات دیگران را دارد و جنس آن از نوع اقناع‌سازی است

قدرت نرم در عرصه بین‌المللی امروزه در برابر قدرت سخت قرار دارد. ابزار قدرت نرم، رسانه‌ها موسیقی، ادبیات، انتقال ارزش‌ها و باورهاست. نظریه‌پردازی در حوزه فرهنگ تمدن و فرآورده‌های فرهنگی از چشم‌اندازهای گوناگون ادبیات گسترده‌ای را به وجود آورده است که عواملی چون مهاجرت گسترده و ارتباطات فرهنگی آمیختگی با سیاست و اقتصاد گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و ارتباطی با نقش رسانه‌ها در ترویج فرآورده‌های فرهنگی و ظهور اشکال مختلف فرهنگ، ضرورت مطالعات و مؤلفه فرهنگی را مضاعف نموده است (علی موحد، سایت بصیرت، ۱۳۸۸).

۴-۶. جهانی شدن

امروزه کشورها به حدود معین و مرزهای معلومی در روند جهانی شدن رسیده‌اند. از زمانی که کشورها شکل یافته‌اند در حال تغییر و تکامل و تطبیق هستند تا پاسخگوی نیازهای انسانی و نیازهای نهادی در شکل و عملکرد خود باشند. جهانی شدن بر تغییر ساختار فضای بین‌المللی بسیار تأثیر داشته است و دو سیمای بنیادین در روند جهانی شدن وجود دارد که اول روند فزاینده وابستگی‌ها و ارتباطات متقابل است و دوم کاهش به‌ظاهر فزاینده اهمیت مرزهای ملی است. در واقع افزایش ارتباطات متقابل به کاهش مرزهای ملی منجر شده است. دنیا چنان به هم نزدیک شده است که رخدادهای واقعه در یک قسمت دنیا می‌تواند به‌طور شگرفی بر جوامع بسیار دوردست تأثیرگذار باشد. امور سیاسی در محصور در مرزها نیستند (سیمبر، ۱۳۸۰: ۶۹۹)

۵-۶. نهادهای بین‌المللی

تا پیش از گسترش نظری و عملی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین (تنهاترین) کنش‌گران نظام بین‌الملل قلمداد می‌گردیدند ولی با توجه به گسترش مفاهیم و نظریه‌های مختلف بر نقش عناصر دیگری مثل افراد، جنبش‌ها سازمان‌های بین‌المللی مختلف (دولتی، غیردولتی)، شرکت‌های چندملتی و ... به‌عنوان سایر کنش‌گران

مهم تأکید گردیده در نتیجه اعتقاد به تکثر بازیگران شکل گرفت. سازمان‌های بین‌المللی را بر اساس ویژگی‌های مختلفی همچون اهداف، کارکردها، حوزه جغرافیایی، نوع و ترکیب اعضا و غیره می‌توان تقسیم نمود.

۶-۶. تغییرات آب‌وهوایی

ذوب شدن قطب‌های یخی باعث محو شدن بخش‌هایی از کره زمین تا حدود ۲۱۰۰ است تغییرات اقلیمی تأثیرات بی‌سابقه‌ای در اکوسیستم جهانی به وجود آمده است آب‌وهوای خارج از هر فصل کم‌کم افزایش یافته است. توافق‌نامه آب و هوایی پاریس در این زمینه هستند. میزان درجه سانتی‌گراد زمین افزایش یافته است.

۶-۷. گسترش فناوری

علم و فناوری مفهوم جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل است که موضوع اصلی آن استفاده از ظرفیت‌های علم و فناوری در ابعاد مختلف است این عامل توانسته است فرصت‌ها و محدودرات را در عرصه بین‌الملل فراهم آورد و مفاهیم قدرت امنیت حاکمیت دیپلماسی را تحت تأثیر خود قرار دهد. کشورها در عرصه علم و فناوری هزینه‌های بیشتری نسبت به قبل انجام داده‌اند. فضای سایبری با فناوری جذاب و اغواگر خود، هژمونی را در حال پدید آوردن است که مبتنی بر دانش و اطلاعات درونی، فضای تفوق و برتری نوینی را شکل داده است. فضای سایبر از دیدگاه سخت‌افزاری شبکه‌ای جهانی از رایانه‌های بهم‌پیوسته است که از طریق کانال‌های ارتباطی پرسرعت تار عنکبوتی شکل اطلاعات را جابه‌جا می‌کند (کیان‌خواه، ۱۳۹۸: ۱۵۸).

۶-۸. سلاح‌های کشتار جمعی

پس از جنگ سرد کشورهایی مثل هند، پاکستان، رژیم صهیونیستی و کره شمالی، وارد سیاست‌های هسته‌ای شدند که قدرت‌های بزرگ در ابعاد ساختاری نظام بین‌الملل

واکنش‌های مختلفی نسبت به آن انجام داده‌اند. در دهه ۱۹۸۰ شاهد افزایش توان اقتصادی انسجام سیاسی و قدرت نظامی بسیاری از کشورهای جهان سوم بودیم عنصر اصلی این فرآیند دستیابی برخی کشورها به تسلیحات پیشرفته و تلاش برخی برای دسترسی به تسلیحات هسته‌ای شیمیایی و بیولوژیک بود (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۳۴). پس از وقوع حادثه یازده سپتامبر، دو واژه بیش از پیش در محیط تصمیم‌گیری ایالات متحده اهمیت پیدا کرد: خاورمیانه و سلاح‌های کشتار جمعی. بعد از حادثه یازده سپتامبر دولتمردان آمریکا با این استدلال که اگر این حملات هراس‌آور با سلاح‌های کشتار جمعی انجام می‌گرفت عمق فاجعه تا چه حد بود. لذا مسئله سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه به‌عنوان اولویت اساسی و اولیه در دستور کار سیاستمداران آمریکا قرار گرفت تا بتواند علاوه بر مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، اهداف دیگری را که در این مناطق داشتند پیگیری کنند (مجبی نیا صالحی، ۱۳۹۲: ۹۷).

۶-۹. درگیری‌های منطقه‌ای

در آینده نزدیک درگیری‌های ایدئولوژیک میان کشورها جدی نخواهد بود. از اهمیت درگیری‌های ایدئولوژیک در درون کشورها نیز کاسته خواهد شد. احتمال وقوع درگیری نظامی میان دموکراسی‌های صنعتی بسیار ضعیف است؛ هرچند رقابت‌های اقتصادی میان کشورهای عمده صنعتی بیشتر از گذشته خواهد شد. درگیری بین کشورهای کم توسعه یافته رایج‌تر از دوران جنگ سرد خواهد بود احتمالاً به علت سست شدن قیدوبندهای تحمیلی از سوی ابرقدرت‌ها که نمی‌خواستند درگیری‌های جهان سوم به درگیری بین ابرقدرت‌ها منجر شود. غرب آسیا از دیرباز کانون بحران‌های گوناگونی بوده که جهان را صحنه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است. در این میان تروریسم تکفیری که یکی از پدیده‌های جدید در عصر روابط بین‌الملل است دامنه نفوذ خود را در غرب آسیا گسترش داده و معادلات جدیدی را در ساحت سیاسی و امنیتی این منطقه رقم زده است (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸).

۶-۱۰. حقوق بشر

قوانین حقوق بشر یکی از موضوعات مهم در میان کشورها بوده است و توانسته موضوعات مهم سیاسی اقتصادی حقوقی فرهنگی را در این باب به معنای دیگر شکل‌دهی نماید. رعایت هنجارهای حقوق بشر در نهادهای مختلف بین‌المللی گنجانده شده است. لذا باید به این مسئله توجه کنیم منافع و دیدگاه کشورهای نظام بین‌المللی در مسئله حقوق بشر متفاوت است

۶-۱۱. تروریسم

تروریسم از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد واکاوی و ریشه‌یابی قرار داد (هامانه، ۱۳۹۵: ۴۹)، در دوران جهانی‌شدن و فناوری‌های پیشرفته، کارهای تروریستی، دیگر در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها، با کمک هم‌پیمانان فرامرزی و پشتوانه ارتباطات و شبکه‌های مالی، می‌توانند کمابیش در هر جا که بخواهند کارهای تروریستی خود را سازمان‌دهی و اجرا کنند. امروزه گروه‌های تروریستی و مافیای زیرزمینی قادرند به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهز شوند و در برخی موارد به جنگ دولت‌ها بروند.

۶-۱۲. مهاجرت و تابعیت

حوادث زیادی در زمینه مهاجرت در یک دهه اخیر ثبت شده است. حوادثی که باعث سختی و شوک و هم‌چنین خسارت جانی شد اول از همه میلیون‌ها نفر بی‌خانمان شدند که ناشی از درگیری مانند سوریه یمن آفریقای مرکزی جمهوری کنگو در بحث دموکراسی سودان جنوبی و خشونت شدید علیه روهینگایی که به جستجوی مکانی امن وارد بنگلادش شده‌اند یا آشفستگی شدید اقتصادی و سیاسی در ونزوئلا تغییرات آب و هوایی که منجر به مهاجرت در موزامبیک فیلیپین چین هند و ایالات متحده شده‌اند

۶-۱۳. بیماری‌های واگیر

بیماری کوید ۱۹ نظم جهانی را تغییر داده است. میراث این بیماری هنوز از راه نرسیده است. دولت‌ها سیاست‌های مداخله جویی بیشتری را اعمال می‌کنند محدودیت‌هایی برای شهروندان در شهر کشورهای مختلف اعمال می‌شود شیوع بیماری کرونا و ویروس شکنندگی سیستم‌های بهداشتی را در تمام کشورهای جهان بزرگ و کوچک نشان داد، به تدریج بودجه‌های مالی را برای این بخش در بودجه‌های مالی قرار داد و این سخت‌ترین آزمایش پیش روی جهان از زمان رکود بزرگ است.

۶-۱۴. جمعیت

تعداد قابل توجهی از مردم در حال حرکت از زیر آستانه فقر به خط طبقه متوسط به دلیل گستردگی اقتصادی هستند. جمعیت به‌عنوان پشتوانه قدرت ملی کشورها حساب می‌آید. رشد سنی جمعیت در کشورهای صنعتی رو به بالاست این در حالی است که رشد جمعیت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بیشتر است. جمعیت زیاد کشور را قادر می‌سازد نه تنها دارای نیروهای مسلح قدرتمند باشد. همچنین برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی نیز نیروی انسانی داشته باشد؛ اما خیلی مهم نیست جمعیت قدرت را ایجاد خواهد کرد. جمعیت پیوسته از پدیده‌های مورد بررسی در بحث اقتدار و سیاست بوده است. بازیگران و کنشگران سیاسی به جمعیت از ای منظر توجه می‌کنند که کمیت و کیفیت آنچه نقشی در افزایش یا کاهش اقتدار ملی کشور دارد. در بعد کمیتی از اندازه مناسب جمعیت صحبت می‌شود یعنی جمعیتی که حداکثر درآمد سرانه و رفاه اقتصادی را فراهم می‌کند و به لحاظ کیفی وحدت و انسجام داخلی، موازنه سیاسی در درون سیستم و ذاتاً سازگار با سیستم سیاسی باشد (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

۷. مدل‌سازی تفسیری-ساختاری

برای طراحی مدل اولیه آینده نظام بین‌الملل از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری استفاده شده است. مدل‌سازی ساختاری-تفسیری یکی از روش‌های اکتشافی طراحی

مدل در مدیریت است که ایده اولیه آن توسط وارفیلد (۱۹۷۴) مطرح و توسط سیج (۱۹۷۷) معرفی گردید. رویکرد ISM خبرگان را قادر می‌سازد که روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر را در یک موقعیت پیچیده تصمیم‌گیری، ترسیم کنند. این روش برای نظم بخشیدن و جهت‌دهی به پیچیدگی روابط میان سازه‌ها عمل می‌کند. در این روش با تحلیل تأثیر یک سازه بر سازه‌های دیگر، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان سازه‌های یک سیستم بررسی و بدین‌وسیله بر پیچیدگی روابط بین سازه‌ها غلبه می‌شود (آذر و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۷).

این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از سازه‌های متفاوت در قالب یک مدل نظام‌مند و جامع، ساختاردهی می‌شوند. در واقع با استفاده از این روش تأثیر یک سازه بر سایر سازه‌ها بررسی می‌شود. در این روش می‌توان روابط سازه‌ها را شناسایی کرد و مدلی ساختاری-تفسیری از سازه‌ها ارائه کرد و در نهایت سازه‌ها را براساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی طبقه‌بندی نمود. سازه‌های مورد بررسی جهت ارائه مدل اولیه آینده نظام بین‌الملل عبارتند از: حقوق بشر (D01)، تروریسم (D02)، جمعیت (D03)، نهادهای بین‌المللی (D04)، قدرت سیاسی (D05)، قدرت نظامی (D06)، تغییرات آب‌وهوایی (D07)، مهاجرت و تابعیت (D08)، جهانی‌شدن (D09)، گسترش فناوری (D10)، سلاح‌های کشتار جمعی (D11)، قدرت اقتصادی (D12)، درگیری‌های منطقه‌ای (D13)، بیماری‌های واگیر (D14)، قدرت فرهنگی (D15).

۷-۱. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری^۱

ماتریس خودتعاملی ساختاری^۲ (SSIM) نخستین ماتریس در مدل‌سازی ساختاری-تفسیری است. از این ماتریس برای شناسایی روابط درونی شاخص‌ها مبتنی بر دیدگاه خبرگان استفاده می‌شود. ماتریس به‌دست‌آمده در این گام نشان می‌دهد یک متغیر بر کدام

^۱ Structural Self-Interaction Matrix, SSIM

^۲ Structural Self-Interaction Matrix, SSIM

متغیرها تأثیر دارد و از کدام متغیرها تأثیر می‌پذیرد. به‌طور مرسوم برای شناسایی الگوی روابط عناصر از نمادهایی مانند جدول ۲ استفاده می‌شود.

جدول ۲ حالت‌ها و علائم مورد استفاده در بیان رابطه متغیرها

نماد	V	A	X	O
رابطه	متغیر I بر J تأثیر دارد	متغیر J بر I تأثیر دارد	رابطه دوسویه	عدم وجود رابطه

ماتریس خودتعاملی ساختاری از ابعاد و شاخص‌های مطالعه و مقایسه آن‌ها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل می‌شود. اطلاعات حاصله بر اساس متد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل می‌گردد (اصغریور، ۱۳۹۲: ۲۸). با توجه به علائم مندرج در

جدول ماتریس خودتعاملی ساختاری به‌صورت جدول ۳ خواهد بود.

جدول ۳ ماتریس خودتعاملی ساختاری SSIM

Main	D01	D02	D03	D04	D05	D06	D07	D08	D09	D10	D11	D12	D13	D14	D15
D01		X	V	A	A	O	A	X	A	A	A	A	A	A	A
D02			V	A	A	A	A	X	A	A	A	A	A	A	A
D03				A	O	A	A	A	A	A	A	A	A	A	A
D04					A	A	V	O	V	X	V	V	V	V	V
D05						X	V	V	V	V	V	V	V	V	V
D06							V	V	V	V	V	V	V	V	V
D07								V	A	X	A	A	A	A	A
D08									A	A	A	A	A	A	A
D09										V	V	V	V	V	V
D10											X	A	X	A	A
D11												A	X	O	A
D12													V	V	X
D13														V	A
D14															A
D15															A

مجموعه خروجی‌ها شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد. مجموعه ورودی‌ها شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. سپس مجموعه روابط دوطرفه معیارها مشخص می‌شود.

برای متغیر C_i مجموعه دستیابی (خروجی یا اثرگذاری‌ها) شامل متغیرهایی است که از طریق متغیر C_i می‌توان به آن‌ها رسید. مجموعه پیش‌نیاز (ورودی یا اثرپذیری‌ها) شامل متغیرهایی است که از طریق آن‌ها می‌توان به متغیر C_i رسید. پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز، اشتراک دو مجموعه حساب می‌شود. اولین متغیری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (خروجی‌ها) باشد، سطح اول خواهد بود؛ بنابراین عناصر سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را در مدل خواهند داشت. پس از تعیین سطح، معیاری که سطح آن معلوم شده از تمامی مجموعه حذف کرده و مجدداً مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها را تشکیل داده و سطح متغیر بعدی به دست می‌آید (همان: ۴۲).

بنابراین متغیرهای جمعیت (D03) و بیماری‌های واگیر (D14) در سطح نخست قرار دارد. پس از شناسایی متغیر (های) سطح اول این متغیر (ها) حذف می‌شوند و مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها بدون در نظر گرفتن متغیرهای سطح اول محاسبه می‌شود. مجموعه مشترک شناسایی و متغیرهایی که اشتراک آن‌ها برابر مجموعه ورودی‌ها باشد به‌عنوان متغیرهای سطح دوم انتخاب می‌شوند. با توجه به خروجی محاسبات ISM متغیرهای حقوق بشر (D01)، تروریسم (D02) و مهاجرت و تابعیت (D08) در سطح دو قرار دارند.

متغیرهای تغییرات آب‌وهوایی (D07)، گسترش فناوری (D10)، سلاح‌های کشتار جمعی (D11) و درگیری‌های منطقه‌ای (D13) در سطح سه قرار دارند.

متغیرهای نهادهای بین‌المللی (D04) و جهانی شدن (D09) در سطح چهار قرار دارند. متغیرهای قدرت سیاسی (D05)، قدرت نظامی (D06)، قدرت اقتصادی (D12) و قدرت فرهنگی (D15) در سطح پنج قرار دارند.

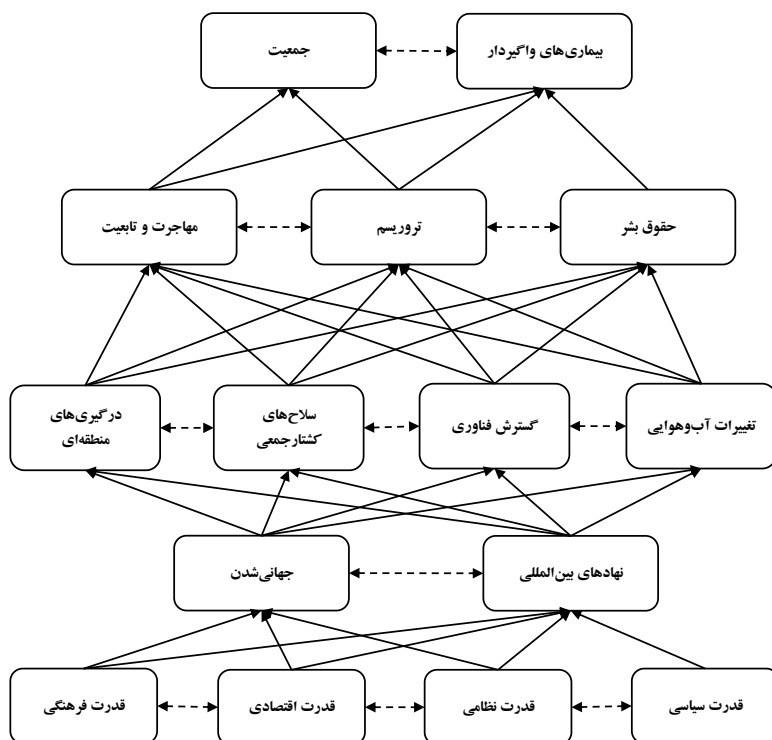
الگوی نهایی سطوح متغیرهای شناسایی شده در شکل ۱ نمایش داده شده است. در این نگاره فقط روابط معنادار عناصر هر سطح بر عناصر سطح زیرین و همچنین روابط درونی معنادار عناصر هر سطح در نظر گرفته شده است.

براساس نتایج به‌دست آمده قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به‌عنوان عناصر زیربنایی الگو هستند که بر نهادهای بین‌المللی و جهانی شدن تأثیر مستقیم دارند. نهادهای

بین‌المللی و جهانی شدن نیز بر تغییرات آب‌وهوایی، گسترش فناوری، سلاح‌های کشتار جمعی و درگیری‌های منطقه‌ای اثر می‌گذارند. به همین ترتیب این عوامل نیز بر حقوق بشر، تروریسم و مهاجرت و تابعیت اثر می‌گذارند. در نهایت نیز بیماری‌های واگیردار و جمعیت دستخوش تغییرات خواهند شد.

۲-۷. تحلیل قدرت نفوذ-وابستگی (نمودار MICMAC)

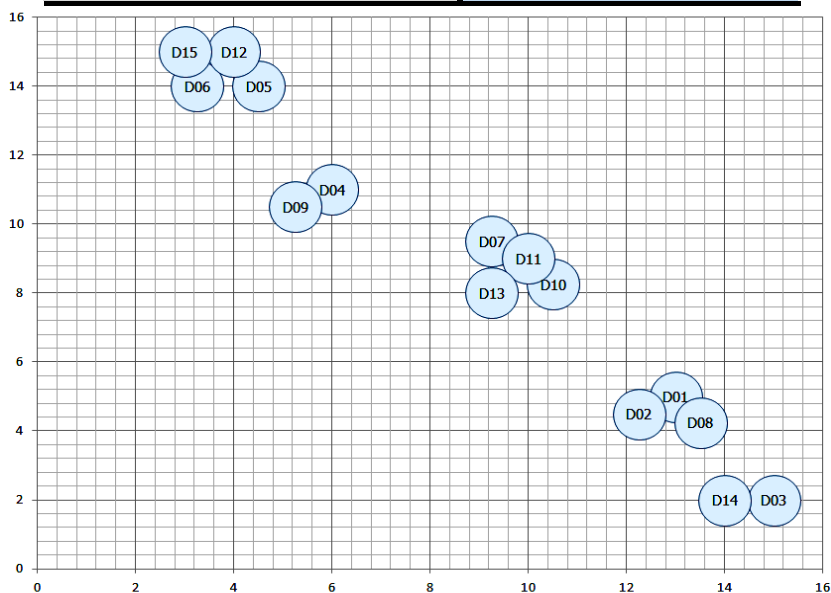
در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به‌وسیله مدیران می‌شود. برای تعیین معیارهای کلیدی قدرت نفوذ و وابستگی معیارها در ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. نمودار قدرت-وابستگی برای متغیرهای آینده نظام بین‌الملل در شکل ۱ را نشان می‌دهد.



شکل ۱ الگوی آینده نظام بین‌الملل

جدول ۴ قدرت نفوذ و میزان وابستگی متغیرهای آینده نظام بین‌الملل

متغیرهای پژوهش	میزان وابستگی	قدرت نفوذ	سطح
حقوق بشر (D01)	۱۳	۵	۲
تروریسم (D02)	۱۳	۵	۲
جمعیت (D03)	۱۵	۲	۱
نهادهای بین‌المللی (D04)	۶	۱۱	۴
قدرت سیاسی (D05)	۴	۱۵	۵
قدرت نظامی (D06)	۴	۱۵	۵
تغییرات آب‌وهوایی (D07)	۱۰	۹	۳
مهاجرت و تابعیت (D08)	۱۳	۵	۲
جهانی‌شدن (D09)	۶	۱۱	۴
گسترش فناوری (D10)	۱۰	۹	۳
سلاح‌های کشتار جمعی (D11)	۱۰	۹	۳
قدرت اقتصادی (D12)	۴	۱۵	۵
درگیری‌های منطقه‌ای (D13)	۱۰	۹	۳
بیماری‌های واگیر (D14)	۱۵	۲	۱
قدرت فرهنگی (D15)	۴	۱۵	۵



شکل ۲ نمودار قدرت نفوذ و میزان وابستگی (خروجی میک-مک)

بر اساس قدرت وابستگی و نفوذ متغیرها، می‌توان دستگاه مختصاتی تعریف کرد و آن را به چهار قسمت مساوی تقسیم نمود. در این پژوهش، گروهی از متغیرها در زیرگروه محرک قرار گرفتند، این متغیرها قدرت نفوذ زیاد و وابستگی کمی دارند. در دسته بعدی متغیرهای وابسته قرار دارند که به گونه‌ای نتایج فرایند توسعه محصول‌اند و کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند.

در این تحلیل متغیرها به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی (رابط) و مستقل تقسیم می‌شوند.

خودمختار: متغیرهای خودمختار میزان وابستگی و قدرت هدایت کمی دارند این معیارها عموماً از سیستم جدا می‌شوند زیرا دارای اتصالات ضعیف با سیستم هستند. تغییری در این متغیرها باعث تغییر جدی در سیستم نمی‌شود.

وابسته: متغیرهای وابسته دارای وابستگی قوی و هدایت ضعیف هستند این متغیرها اصولاً تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری کمی روی سیستم دارند.

مستقل: متغیرهای مستقل دارای وابستگی کم و هدایت بالا می‌باشند به عبارتی دیگر تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کم از ویژگی‌های این متغیرها است.

پیوندی: متغیرهای رابط یا پیوندی از وابستگی بالا و قدرت هدایت بالا برخوردارند به عبارتی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این معیارها بسیار بالاست و هر تغییر کوچکی بر روی این متغیرها باعث تغییرات اساسی در سیستم می‌شود.

متغیرهای در سطح دو قرار دارند.

در سطح چهار قرار دارند.

در سطح پنج قرار دارند.

۱ Autonomous variables

۲ Dependent variables

۳ Independent variables

۴ Linkage variables

بر اساس نمودار قدرت نفوذ-وابستگی متغیرهای قدرت سیاسی (D05)، قدرت نظامی (D06)، قدرت اقتصادی (D12) و قدرت فرهنگی (D15) قدرت نفوذ بالایی داشته و تأثیرپذیری کمی دارند و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار گرفته است. متغیرهای جمعیت (D03)، بیماری‌های واگیر (D14)، حقوق بشر (D01)، تروریسم (D02) و مهاجرت و تابعیت (D08) نیز از وابستگی بالا اما نفوذ اندکی برخوردار هستند بنابراین متغیرهای وابسته محسوب می‌شوند. متغیرهای تغییرات آب‌وهوایی (D07)، گسترش فناوری (D10)، سلاح‌های کشتار جمعی (D11) و درگیری‌های منطقه‌ای (D13)، نهادهای بین‌المللی (D04) و جهانی شدن (D09) قدرت نفوذ و میزان وابستگی مشابهی دارند بنابراین متغیرهای پیوندی هستند. لازم به تذکر است هیچ متغیری نیز در ربع اول یعنی ناحیه خودمختار قرار نگرفته است.

۸. نتیجه‌گیری

هدف مقاله بررسی چشم‌انداز پیشران‌های مؤثر بر ساختار نظام بین‌الملل بود. مطابق با آنچه در ابتدای مقاله مطرح شد از چارچوب فکری نواقح‌گرایی و از روش تحلیلی توصیفی ISM و برنامه میک مک استفاده شد. استنتاجی که از این پژوهش یافت می‌شود این است که با ورود پیشران‌های جدید به تحولات نظام بین‌الملل، عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بیشترین اثرگذاری و کمترین اثرپذیری را از بین ۱۵ عامل شناسایی شده دارند. عوامل بیماری‌واگیردار و جمعیت کمترین اثرگذاری و بیشترین اثرپذیری را پذیرفته‌اند. با تحولات بین‌المللی و رشد تبادلات تجاری اقتصادی سیاسی نظامی باعث پدیدار شدن جریانات مختلف شده‌اند؛ و تأثیرات خود را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت گذاشته‌اند. پیشران‌هایی که در عرصه بین‌الملل به وقوع پیوسته‌اند بیشتر تحت کنترل قدرت‌های بزرگ بوده است زیرا درصد زیادی از حجم تبادلات اقتصادی سیاسی را در اختیار داشته‌اند. پیشران‌های اثرپذیر از محرک‌های اثرگذار مولد می‌شوند و در مقطعی می‌تواند ساختار نظام بین‌الملل را تحت تأثیر خودش قرار دهد.

کشورها برحسب توانمندی قدرت در این پیشران‌ها مؤثر هستند و در تلاش هستند منافع و امنیت خود را در این ساختار بهبود ببخشند. ساختار نظام بین‌المللی بر هدف‌ها و کنش‌های سیاست خارجی تأثیر بسزایی دارد هنگامی که به اهمیت این عوامل پی می‌بریم که ساختار مزبور دستخوش یک سلسله تغییرات و دگرگونی‌های اساسی و بنیادی شود. تشکیل قدرت‌ها و از میان رفتن همبستگی‌ها و انسجام بلوکی و ظهور دولت‌های مقتدر ضمن فراهم کردن فرصت‌های جدید خطرهایی را نیز به همراه دارد. به‌طور نمونه، گسترش فنآوری هرچند در بسیاری ابعاد در عرصه بین‌المللی فرصت‌های خوبی را ارائه داده است لیکن گسترش این فنآوری در بعد تسلیحات تأثیرات مخربی بر زندگی افراد در سرتاسر جهان خواهد گذاشت.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه و جلالی، رضا. (۱۳۹۸)، تحقیق در عملیات نرم، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- اصغرپور، محمدجواد. (۱۳۹۲)، تصمیم‌گیری‌های چند معیاره. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جهان‌بین، فرزاد و پرتو، فتح‌الله، (۱۳۹۴)، سناریوی آینده نظام بین‌الملل، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم شماره ۱۳
- خرمشاد، طراح زادگان (۱۳۹۷)، راهبردهای جمعیتی تحکیم اقتدار و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه امنیت ملی، سال نهم شماره دوم
- اخباری، شمس‌احمر و محمد، مهران، (۱۳۸۸)، ساختار نظام بین‌الملل در هزاره سوم و تحلیل بحران روابط ایران و آمریکا، فصل‌نامه جغرافیای انسانی، سال دوم شماره اول
- - دهشیری، گلستان؛ محمدرضا، مسلم، (۱۳۹۵)، الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ در مدیریت بحران‌های بین‌المللی در نظام تک - چندقطبی پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال یازدهم شماره سوم،
- سیمبر، رضا، (۱۳۸۰)، تحول در نظام بین‌الملل و کار ویژه‌های ملت - دولت، فصل‌نامه سیاست خارجی س، سال پانزدهم، دوره دهم، شماره ۳،
- شریعتی، وکیلی؛ قربانی شیخ‌نشین، شهرزاد و بهنام، ارسلان، (۱۳۹۹)، نشانگان پیدایش موج پنجم تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا، فصل‌نامه امنیت ملی، سال دهم، شماره سی و هشتم
- کیان‌خواه، احسان، (۱۳۹۸)، چالش‌های راهبردی حکمرانی با گسترش فضای سایبری، فصل‌نامه امنیت ملی، سال نهم، شماره سی و چهارم
- محبی‌نیا، صالحی؛ جهان‌بخش، منصور، (۱۳۹۲)، جنگ سرد نوین در روابط روسیه و آمریکا، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، دوره ۶ شماره ۲۴،
- مصلی‌نژاد، عباس، (۱۳۹۳)، تسری رقابت ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه، فصل‌نامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره سوم، پاییز

ب. منابع انگلیسی

- Gardas, B. B., Raut, R. D., Cheikhrouhou, N., & Narkhede, B. E. (2019). A hybrid decision support system for analyzing challenges of the agricultural supply chain. *Sustainable Production and Consumption*, 18, 19-32.

- Hoffman, S. (1961). “ International Systems and International Law”, in Hoffman, The State of War: Essays on the Theory and Practice of International Politics. New York: Praeger
- Kaplan, M.A. (2005). System and Process in International Politics. ECPR press.
- Kumar, A., & Dixit, G. (2018). An analysis of barriers affecting the implementation of e-waste management practices in India: A novel ISM-DEMATEL approach. Sustainable Production and Consumption, 14, 36-52.
- Rajput, S., & Singh, S. P. (2018). Identifying Industry 4.0 IoT enablers by integrated PCA-ISM-DEMATEL approach. Management Decision.
- Sage A. P.; Interpretive structural modeling: Methodology for large-scale systems; New York, NY: McGraw-Hil, 1977.
- Waltz, K.N. (1979). Theory of International Politics. Reading, Mass: Addison-Wesley Pub.Co.
- Wang, L., Cao, Q., & Zhou, L. (2018). Research on the influencing factors in coal mine production safety based on the combination of DEMATEL and ISM. Safety science, 103, 51-61.
- Warfield, J. N. (1974). Developing interconnection matrices in structural modeling. IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics, (1), 81-87.
- Zhou DQ, Ling ZL, Li HW (2006). A Study of the System's Hierarchical Structure Through Integration of DEMATEL and ISM. Paper presented at the Machine Learning and Cybernetics, Dalian, China.

ج. استناد به اینترنت

- تقریرالهجره فی العالم لعام ۲۰۲۰، المنظمیه الدولیه للهجره، ۲۰۲۰ (۱۴۰۰)
- تغییرالمناخ التخفیف من تغییر المناخ، ۲۰۱۴ (۱۴۰۰)
- علی صباغیان، قدرت سیاسی، ۱۳۸۶ (۱۴۰۰)
- موحد، علی، نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی، ۱۳۸۸ (۱۴۰۰)
- Holeti, KJ ‘problem of change, 1988, www.files.ethz.ch/ir (1400)

